

دکتر علی مهدی‌زاده

رهبانیت مسیحی در غرب

رهبانیت مسیحی و نخستین مراحل تشکیل دیرها و صومعه‌ها، در قرون سوم و چهارم میلادی نخست در مصر و سپس در فلسطین و شام و آسیای صغیر پدید آمد و در اندک زمانی در آن نواحی و در سایر نقاط خاورمیانه روبرشد و توسعه نهاد. آوازه راهبان مشهور این مراکز به سرزمین‌های غربی عالم مسیحیت رسید و بسیاری از مسیحیان که در جستجوی روش زندگانی زاهدانه و کناره‌گیری از مظالم و مفاسد اجتماع بودند از رم و سایر شهرهای امپراطوری روم رهسپار مصر و شام و فلسطین شدند و در صومعه‌هایی که در این نواحی تأسیس شده بود به زندگانی زاهدانه و آموزش روشهای رهبانیت پرداختند (۱). در قرن چهارم میلادی برخی از این اشخاص، چون یروم (۲) و هیرونوموس (۳)، و پاولای (۴) راهبه‌که از

۱- درباره آغاز پیدایش رهبانیت مسیحی در شرق و چگونگی تشکیل صومعه‌ها در این نواحی نگاه‌کنید به مقاله نگارنده زیر عنوان :

«رهبانیت مسیحی در شرق» - مقالات وبررسیها، دفتر ۴۷-۴۸ (۱۳۶۸) ص ۱۸۸-۱۶۹.

2- "Jerôme"

3- Hironomus

4- Paula

رم به مشرق آمده بودند، میان مسیحیت شرق و غرب رابطه ایجاد کردند و وسیله انتقال رهبانیت از عالم مسیحی شرقی به غرب شدند، و کتب و رسالاتی که درباره روش زندگانی زاهدانه و آداب و تشکیلات این روش در سوریه و فلسطین نوشته شده بود به مراکز دینی غرب راه یافت. رهبانیت مسیحی غربی در حقیقت شاخه‌ای است از رهبانیت شرقی که در محیط فکری و فرهنگی دیگری رشد کرده و گسترش یافته است. ظاهر نخستین کسی که رهبانیت شرقی را به دنیای مسیحی غرب شناساند قدیس آتاناسیوس (۵) اسقف اسکندریه بود که در سال ۳۳۹ میلادی به رم رفت و تشکیلات و راه و روش صومعه نشینی را تبلیغ کرد (۶).

یروم مقدس (۳۴۷-۴۲۰ میلادی) پس از اینکه سالها در سوریه و آسیای صغیر به زندگانی زاهدانه رهبانی به سر برده بود، در سال ۳۸۲ میلادی به رم رفت و گروهی را به این طریقه آورد، ولی چون با مخالفت جامعه و کلیسا مواجه شد به فلسطین و شام بازگشت و چندتن از زنانی که راهبه شده بودند با او همراه شدند (۷).

راهب دیگری که باید نامش در این شمار ذکر شود، ژان کاسیان (۸) است که مدتی در مصر بوده، سپس به آسیای صغیر رفت و به مقامات کلیسائی رسید. وی در سال ۴۴۰ میلادی رهسپار روم شد و پس از چندی در سال ۴۱۵ میلادی به ماری رفت و در این دوشهر جوامع رهبانی و چندین صومعه تأسیس کرد و قواعد و آداب رهبانیت شرقی را در آنها جاری و معمول نمود. وی درباره اصول اخلاقی این روش و نظام و شرایط

۵- شرح حال Anthanasius رادرویل دورانت، عصر ایمان، بخش اول، ص ۱۰ و

The Encyclopedia of Religion, and Ethics, James Hastings, vol. 8. p. 825

به بینید.

۶- برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ج ۱ - ص ۷۲.

7- Jean Boesse, Lamystique du "Chsistianisme Psimlittif" Encyclopedie des Mystiques; Tomme 1; p. 484 - 488.

8- Jean Cassien

زندگی زاهدانه کتابهائی نوشت، ولی اشارات انکار آمیزی که در بعضی از آثار او نسبت به سنت اگوستین رفته بود موجب شد که اعمال و اقوال او مورد انکار قرار گیرد (۹).

بهر حال مسیحیان غربی که درباره زاهدان و راهبان شرقی روایات و حکایات بسیار شنیده و خوانده بودند، چنان به این طریقه مجذوب و مشتاق شده بودند که انکار و ممانعت کلیسا نمی توانست آن را از توسعه و گسترش بازدارد.

با ظهور بندیکت (۱۰) اساسی که کاسیان بنانهاده بود مستحکم شد و راه و روش رهبانیت و نظام و ترتیبات صومعه نشینی در تمامی عالم مسیحیت غربی رواج گرفت (۱۱).

قدیس بندیکت

سنت بندیکت در حدود سال ۴۸۰ میلادی در نرسیا (۱۲) بدنیا آمد و در حدود سال ۵۵۰ میلادی در مونت کاسیو (۱۳) در گذشت. موقعیت او را در مسیحیت غرب، می توان با اهمیتی که سنت باسیل در شرق داشته مقایسه کرد. بندیکت در ابتدا مردی زاهد بود و در کوهستانهای ساین (۱۴) زندگی می کرد ولی کم کم شاگردانی به دورش جمع شدند و صومعه هایی

9- Jean Boesse art. Cit., E.M. Tomme, 1. p. 493 - 497.

۱۰- St. Benedict قدیس مسیحی واز بزرگان کلیسا در قرن ششم میلادی. مراجعه شود به تاریخ فلسفه غرب - برتراند راسل ج ۲ - ص ۱۳۳ و تاریخ تمدن ویل دورانت - عصر ایمان - بخش سوم - ص ۳۳۶ و

G. Parrinder, "Mysticism In The World's Religion, London, p. 149

The Encyclopedia of Religion, Mircea Eliade (ed) 1987 (E.R.)

11- Cf. Henry Chadwick, The Early Church, London - 1973. p. 181 - 183.

12- Nurisa

13 Mont Cassio

14- Sabine

بتدریج در سابیاکو (۱۵) و مونت کاسیو تأسیس کرد. تعالیم او مبتنی بر تقوی، تواضع، اطاعت، فقر همراه با سکوت، مهمان‌نوازی بود. کار کردن را تشویق می‌نمود، و صومعه او جامعه کوچکی بود که تمام مایحتاج خویش را در درون خود تأمین می‌کرد. در رأس این جامعه کوچک پدر اعظم قرار داشت، و هر ده راهب یک مربی و یک خدمتگزار برای امور روزمره خود داشتند. صومعه می‌بایست زمین زراعی، باغ میوه و حتی دکانهایی داشته باشد و در آنها بیماران توسط راهبان دیگر به‌دقت پرستاری میشدند. از مهمانان به‌خوبی پذیرائی می‌شد و خاطیان از قوانین صومعه به‌شدت مورد مؤاخذه و تنبیه قرار می‌گرفتند. قوانین بندیکت در عین سادگی ترکیبی بود از روح عدالت‌رومی و زهد و پاکی مسیحی. تأکید او بر فضائل انسانی، اطاعت محض راهبان و تعهد آنان نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، قدرت مسیح گونه راهبان معلم و جدیت راهبان جوانتر و دوره کارآموزی، عوامل مهمی بودند در گسترش و موقعیت طریقت او. بندیکت می‌گفت که: «راهبان باید در کنار عبادت و کار کتابهای مقدس و انجیل را نیز همواره بخوانند» (۱۶). وی به‌هیچ‌وجه ریاضتهای سخت را توصیه نمی‌کرد و به‌اعمال غریب و دشواری که در رهبانیت شرق دیده می‌شد توجه و اعتنائی نداشت (۱۷).

سنت‌گریگوری (۱۸) نخستین پاپ بزرگ قرون وسطی حامی این طریقه بود. و صومعه‌ای در خانه شخصی خویش بنام سنت‌آندرو (۱۹) بنا نهاد که در آن قوانین بندیکتی را اجرامی کرد (۲۰). وی راهبان را

15- Sabiaco

16- Margaret Smith, *The Way of Mystics*, London, 1976. p. 47.

17- Henry Chadwick, *op. cit*, p. 183.

18- St. Gregory

19- St. Andrew

20- H. Lietzmann. "Histoire de l'Eglise Ancienne" Paris. 1962. p. 330 et, F. F. Cabrol "Monasticism", In Hastings. E.R.E. Vol, 8, p. 792.

پس از تعلیم به عنوان مبلغین مذهبی به کشورهای دیگر گسیل می‌داشت. راهبان دیگری از معاصران سنت بندیکت، همچون کارسیودوروس (۲۱)، آریستوکرات رومی، مشوق و مروج علو م‌بودند و به تعلیم و تعلم بسیار اهمیت می‌دادند و همین روش سبب شد تا راه برای کسب علم همراه با رهبانیت باز شود و در تاریخ غرب نمایان گردد (۲۲). بعد از گریگوری مقدس در قرن هفتم گروه‌های مبلغین به اطراف دنیا گسیل شدند، تا قرن دهم میلادی این گروه‌ها فعالیت‌هایی که آمیزه‌ای از تبلیغات دینی و اغراض شخصی بود اشتغال داشتند. اما کم‌کم غلبه امپال شخصی و ثروت‌اندوزی بر کارها و مقصد تبلیغاتی موجب شد که اصلاحات و اقداماتی برای بازگشت به ماهیت اصلی رهبانیت انجام یابد. اولین قدم در این راه توسط طرفداران طریقه بندیکتی در سال ۸۲۱ میلادی برداشته شد. فساد بازماندگان امپراطوری شارل کبیر (شارلمانی) و اغتشاشات فئودالی سبب شد که رهبانیت دچار رکود شود. حوادث دیگری نیز از علل این امر بشمار می‌رود، از جمله اصلاحات و رفرم‌هایی است که به آن اشاره شد. این اصلاحات منجر به نوعی تمرکز در امور صومعه‌ها و دیرها شد که کاملاً مطابق با طریقه بندیکتی نبود. ثروت صومعه‌ها، و وابستگی اعضای آن به کلیسا و جوامع فئودالی (علیرغم آزادی آنان در امور منطقه خودشان) و توجه آنان به آداب پرتجمل عشاء ربانی به عنوان کار اصلی، آنها را کاملاً از سادگی روش بندیکت بیرون می‌آورد (۲۳). قرن دوازدهم برای رهبانیت، دوران رونق و شکوفائی بود. راهبان دیرها با هم زندگی می‌کردند و مقررات معین حکمفرما بود و امور درون صومعه‌ها به خوبی اداره می‌شد، ولی در عین حال شهرها توسعه می‌یافت و نظام آموزشی مدارس که بر اساس تعلیم راهبان بود در هم ریخته می‌شد زیرا دیگر

21- Cassiodorus

22- Margaret Smith, op. cit., p. 47.

۲۳- براتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب - ج ۲ - ص ۱۵۴-۱۳۳ و

Margaret Smith, op. cit., p. 48.

قادر به جوابگوئی نیازهای جوامع پیشرفته نبودند. گرچه تشکیلات رهبانی قدرتی در کلیسای آن موقع داشتند ولی موقعیت آنها به هیچ وجه قابل مقایسه با زمانهای گذشته نبود. سقوط قسطنطنیه به سال ۱۴۵۳ میلادی اثری بزرگ بر رهبانیت گذاشت. اما با وجود دگرگون شدن اوضاع بسیاری از مرکز آن از جمله آتوس در ناحیه اثره همچنان بصورت بزرگترین مرکز رهبانیت عالم مسیحی باقی ماند (۲۴).

توماس مگاواتی (۲۵) در قرن نهم میلادی شرح مبسوطی از زندگی راهبان این دوره بیان کرده و نشان داده است که فرق دیگری نیز در این زمان وجود داشتند از قبیل تارکان (۲۶)، ساکنان بیابان (۲۷) و منزویان (۲۸)، نوحه گران (۲۹) و گوشه نشینان (۳۰) و گروههای دیگر. سالکان هر طریقه می بایستی به مدت ۳ سال تعلیم جمعی ببینند و سپس درون یک اطاق کوچک زندگی مجرد را آغاز کنند. لباس راهبان را پیراهنی بلند همراه با کمر بند، عبا و پوشش سر و نعلین تشکیل میداد و صلیب و عصایی را نیز با خود حمل می کردند. به هنگام تابستان برنامه روزانه آنها از سپیده دم با کار بدنی آغاز می شد و تا ششمین ساعت از روز که گرمی هوا به حد اکثر می رسید به کار ادامه میدادند. سپس به مطالعه و نیایش برای سه ساعت و بعد از آن یعنی نهمین ساعت را تا شب استراحت می کردند. در طول روز هفت بار نماز می خواندند. راهبان این اعمال را تحت نظارت یک «ربانی» انجام می دادند (۳۱).

24- Bernard McCinn, art. Cit. E.R., Vol - 10. p. 47.

25- Thomas of Megara

27- Dwellers in derert

29- Wupers

31- Margaret Smith, op. cit., p. 31.

26- Solitaries

28- Recluses

30- Anchorites

رهبانیت در سرزمین‌های اسلاو

رهبانیت در قرن دهم میلادی در سرزمین‌های اسلاو (۳۲) پیش‌رفت و راهبان سهم مهمی در مسیحی‌کردن اروپای شرقی داشتند. در قرن یازدهم آنتونی (۳۳) از اهالی کیف (۳۴) و تئودوسیوس (۳۵) در ناحیه کیف به تأسیس صومعه‌هایی اقدام کردند اما راهبان روسی و سازمان‌رهبانی آنجا با هجوم قوم مغول از بین رفتند (۳۶). سپس در قرن چهاردهم میلادی زندگی مجرد و ترك دنیا در مقابل زندگی عادی جلوه‌گر شد و سرگی-رادونژی (۳۷) در سال ۱۳۹۲ میلادی در زاگورسک (۳۸) نزدیک مسکو صومعه‌ای بنا کرد و به تبلیغ و ترویج روش صومعه‌نشینی پرداخت. در قرن پانزدهم میلادی میان پیروان دو طریقت نیل‌سورسکی (۳۹) که زندگی در کلبه‌های کوچک، فقر کامل و سکوت مطلق و انزوا را توصیه می‌کرد، و طریقه ژوزف ولوکولامسک (۴۰) که زندگی زاهدانه به روش پیشینیان را تبلیغ می‌کرد و تملک اندکی ثروت را جایز می‌شمرد، رقابت پیش‌آمد، و هر دو روش طرفداران و پیروان بسیار داشت. از قرن شانزدهم تا هیجدهم میلادی رهبانیت در روسیه بامشکلاتی مواجه بود، بخصوص در دوران سلطنت کاترین کبیر که کلیه نهادهای دینی را به‌زیر فرمان خود آورد و ثروت آنها را ملی اعلام نمود. اما در قرن نوزدهم دوران طلائی رهبانیت بود و عرفان و رهبانیت در این عصر رونق و رواج گرفت (۴۱). با ترجمه کتاب فیلوکالیا (۴۲) به‌زبان روسی در باب نماز و

32- Slavic

33- Antony

34- Kiev

35- Theodosius

۳۶- ویل دورانت، عصر ایمان، بخش سوم - ص ۳۰۳-۳۰۵

37- Sergii of Radonezh

38- Zagorsk

39- Nil Sorkii

40- Joseph Volokolamsk.

۴۱- جاناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت - ص ۴۶۸-۴۶۴.

۴۲- Philo Kalia اصل این کتاب به‌زبان یونانی بود و در سال ۱۷۹۴ به‌زبان روسی

ترجمه شد.

دعا و نیایش بقلم فردی به نام پیسی ولیچ کوفسکی (۴۳) موج رقابتی را که از دیرباز میان دو طریقت سکوت و انزوای کامل و روش صومعه نشینی گروهی (۴۴) در گرفته بود، شدت بخشید و موجب شد که تا سال ۱۹۱۴ میلادی در حدود هشتصد دیر برای مردان و زنان روسیه تأسیس شود و مردمان به آنها روی آوردند، ولی با انقلاب روسیه اکثر این مراکز از هم پاشیده شد (۴۵).

رهبانیت در انگلستان و ایرلند

رهبانیت در ابتدا توسط پیروان بندیکت در آن منطقه انتشار پیدا کرد و صوامعی به سبک بندیکتی در آنجا تأسیس شد. اما با آغاز فعالیت‌های سنت اگوستین و گسترش افکار او که به شدت متأثر از طریقه بندیکتی بود و ماهیتی کاملاً رهبانی داشت در بیشتر شهرها مثل کانتربری - یورک - لندن - ریون - وپیتر برو صومعه‌ها و مراکز جمععی ایجاد شد و کم‌کم قدرت روحانیت در این محل‌ها متمرکز گردید.

هریک از پادشاهان هفت‌گانه امپراطوری ساکسون (۴۶) یکی پس از دیگری توسط شاگردان سنت اگوستین (۴۷) و یا پیروان بعدی او به دین مسیحی درآمدند و چهار قرن که از مرگ سنت اگوستین (۶۰۴ م) تا غلبه نورمن‌ها (۱۰۶۶ م) سپری شد، دوران پر رونق و رهبانیت بشمار میرود. حتی پس از هجوم نورمن‌ها تاریخ رهبانیت در انگلستان بسته نشد. نورمن‌ها خود بجای تخریب صومعه‌ها، دیرهای تازه‌ای بنا کردند (۴۸).

43- Paissii Velich Kovskii

44- Cenobitical

45- Bernard McGinn, art. Cit., ER. Vol. 10. p. 47.

46- F. C. Happold, Mysticism., p. 228 - 234.

۴۷- محمدعلی فروغی، سیر حکمت اروپا، ج ۱ - ص ۸۱-۸۰.

48- F. Cabrol "Monasticism, in Hastings, E.R.E, Vol. 8. p. 792.

و ویل دورانت، عصر ایمان، بخش سوم - ص ۲۶۸ - ۲۶۴.

در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی اصلاحاتی در تشکیلات رهبانیت بعمل آمد بخصوص در دو فرقه بندیکتی (سیاه پوشان) و سیستر سین ها (۴۹) (خاکستری پوشان) و از قرن چهاردهم و پانزدهم رهبانیت در انگلستان روبه زوال گذاشت، و اصلاحات پروتستانی برای رهبانیت انگلستان زیان-آورتر از بقیه جاها بود. در سال ۱۵۳۴ میلادی کاردینال ولسی (۵۰) بازدید از تمام صوامع موجود به عمل آورد، و در نتیجه این کار تصرف تمامی آنها توسط هنری هشتم و وزیرش توماس کرامول (۵۱) شد. در دوران الیزابت اول تضعیف و تخریب این مؤسسات بطور کامل انجام گرفت. اما در میان این همه بلاهائی که بر سر صومعه ها آمد و با وجود تخریبها و کشتارهای بسیار، اصول فرقه بندیکتی انگلیسی در میان مردم به زندگی خود تا به امروز ادامه داد (۵۲).

رهبانیت همزمان با انگلستان به ایرلند راه یافت و در قرن ششم میلادی بعنوان شریک و وابسته قدرتمند کلیسا بر زندگی شبانی و روستائی سکنه آن سرزمین حکومت می کرد. راهبان ایرلندی بیشتر به سیر و سفر می پرداختند و مثل کلمبا (۵۳) در اسکاتلند و کلمبانوس (۵۴) در این سرزمین فعالیت های مؤثری در اشاعه مسیحیت و مسیحی کردن سکنه وحشی آن دیار داشتند. کلمباتوس مشوق ایجاد دیرهای مخصوص راهبان زن و مرد به شکل مختلط بود.

رهبانیت در اسپانیا

از اواخر قرن چهارم میلادی رفت و آمدهایی میان مسیحیان اسپانیائی

49- Cister cians

50- Wolsey

51- T. Cromvel

۵۲- جاناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۴۵۶ - ۴۵۵ و

F. cabrol, Monasticism, In Hastings, E.R.E. Vol. 8. p. 795.

53- Columba

54- Columbanus

وراهبان شرقی وجود داشت و کسانی چون پریسیلین (۵۵) و سنت - مارتین (۵۶) در همان اوقات افکار رهبانی را به اسپانیا آورده بودند. در قرن هفتم میلادی طریقه‌ای که بوسیله ایزودور مقدس (۵۷) تأسیس شده بود، در اسپانیا رواج گرفته بود. ولی دیری نپائید که مکتب و روش بندیکتی بدانجا نیز راه یافت و زندگانی رهبانی را زیر نفوذ خود آورد. دوتن از روحانیون معروف اسپانیا، یکی ایزودور مقدس (۵۸) و دیگری معاصر او لئاندر (۵۹) با توجه به نظامات بندیکتی رایج اصطلاحات قابل توجهی در زندگی رهبانی زنان مردان بعمل آوردند. در قرن چهاردهم و پانزدهم فرقه والادولید (۶۰) و مونسرات (۶۱) بوجود آمد که بعدها در پرتغال، پرو و مکزیك رواج پیدا کرد (۶۲).

رهبانیت در آلمان

تا پیش از قرن ششم میلادی رهبانیت در سرزمین‌های آلمانی بطور جدی مطرح نشده بود. در قرن هفتم میلادی راهبان انگلوساکسون بنام پیرمین (۶۳) و بونی فاس (۶۴) با شاگردان خود افکار بندیکتی را به آلمان بردند، در حالیکه این نحوه زندگی در آن موقع کمتر در آلمان رایج و شناخته بود. تنها ردپائی که از زهاد پیش از آن زمان می‌توان بدست آورد طریقه زندگی سنت اگندوس (۶۵) در قرن ششم میلادی است.

55- Priseilian

56- St. Martin

57- St. Isodore

58- St. Isodore

59- Leander

60- Valladolid

61- Monserr

۶۲- ویل دورانت، عصر ایمان، بخش اول - ص ۱۶۲-۱۵۸.

63- Pirmin

64- Boniface

65- St. Egendus

در قرن هفتم و هشتم میلادی راهبان سلتی (۶۶) و سنت کلمبان (۶۷) به آلمان آمدند و تعدادی دیر تأسیس کردند. دو فرمانروای معروف آن روزگار، یعنی شارلمان (۶۸) و لوئی پرهیزگار (۶۹) از بزرگترین حامیان رهبانیت بندیکتی به شمار می‌رفتند، و گروهی از راهبان به‌دربار آنان مربوط بودند. در مجموعی که سالهای ۷۴۴ و ۷۴۵ میلادی در آلمان تشکیل یافت مقرر شد که همه راهبان باید به‌طریقه بندیکتی پایبند باشند. صومعه هیرسو (۷۰) یا هیرشو (۷۱) که در ۸۳۰ میلادی تأسیس شد از لحاظ گسترش رهبانیت در این نواحی حائز اهمیت بسیار بود و در حدود یکصد و پنجاه دیر تابع قوانین و نظامات این صومعه بودند. هیرسو نیز مانند صومعه کلونی (۷۲) که در قرن دهم میلادی در فرانسه تأسیس شد، اصلاحاتی را بنا بر اصول بندیکتی در رهبانیت وارد و مچری ساخت، در اقداماتی که سنت گرگوری هفتم برای جلوگیری از فساد جامع‌روحانیت آغاز کرده بود پشتیبان او شد. در حمایت از هنر و معماری و فعالیت‌های فرهنگی هیرسو و کلونی هر دو دارای اهمیت بودند (۷۳). مرکز دیگری که منشاء اصلاحات در نظامات رهبانیت و توجه به امور هنری و فرهنگی بود، صومعه فراکتواریا (۷۴) نزدیک تورین (۷۵) بود که در سال ۱۰۰۳ میلادی تأسیس شد و با فعالیت‌های آن از یکسو با کلونی و هیرسو در یک راستا بود و از سوی دیگر مقررات و برنامه‌های آن نه تنها در بسیاری از صومعه‌های آلمان، بلکه در ایتالیا نیز رواج و گسترش یافت. از آغاز پیدایش رهبانیت در آلمان، راهبان اسکاتلندی به این سرزمین آمده و در دیرها و صومعه‌ها مستقر شده و مراکز بسیاری نیز خاص خود تشکیل

66- Celtic

67- St. Colvmban

68- Charlemagne

69- Louis The Pious

70- Hirsau

71- Hirschau

72- Cluny

73- F. Cabrol, "Monasticism", In Hastings, E.R.E. Vol; 8; p. 795.

74- Fractuaria

75- Tourian

داده بودند. در سال ۱۱۸۵ میلادی این مراکز باهم متحد شدند و تحت سرپرستی پدر جیمز راتیسبونی (۷۶) قرار گرفتند، ولی بمرور زمان مراکز اسکاتلندی و راهبان آنها جای خود را به صومعه‌ها و راهبان آلمانی دادند.

در قرن پانزدهم میلادی قدم مهمی در امر رهبانیت توسط گروهی از پیروان طریقه بندیکتی که انجمن‌هایی را تشکیل داده بودند، برداشته شد. این انجمن‌ها در تنویر افکار مؤثر بود و از اقداماتی بشمار می‌رود که راه را برای نهضت اصلاح کلیسا هموار کردند. از جمله این انجمنها باید انجمن بورسفلد (۷۷) و انجمن سان گیوستینا (۷۸) در پادوآ (۷۹) را نام برد. ولی نهضت اصلاح کلیسا در آلمان بزرگترین خسارت را به مرکز **نهبانی و وارد کرد و سبب تبعید راهبان از دیرها و مصادره اموال و درآمد های آنان، و تخریب تقریباً ۱۰۰۰ صومعه و دیر گردید و تنها تعداد اندکی از این مراکز توانستند جان سالم بدر برند (۷۹).**

رهبانیت در فرانسه

رهبانیت در اواخر قرن چهارم و به وسیله سنت مارتین توری (۸۰) و پیروانش در این ناحیه استقرار یافت، و در طی قرون پنجم و ششم چندین صومعه در نقاط مختلف برپا کرد، که همگی تابع روش کار و عبادت سنت مارتین بود. افکار سنت بندیکت به وسیله شاگردش ماروس (۸۱) در اوائل قرن هفتم به فرانسه آورده شد و بسیار سریع در سرتاسر منطقه پخش شد. در زمان شارلمانی که خود حامی مهم راهبان بندیکتی بود، گسترش این طریقه به اوج خود رسید و در زمان پسرش لوئی دبونر (۸۲)

76- James of Ratisban

78- San Giustina

80- St. Martin of tour

82- Louis Le Debonnaire

77- Bursfeld

79- Margaret Smith, op. cit., p. 31.

81 Maurus

نیز ادامه داشت. اصلاحات بندیکتی آنیان (۸۳) گواهی برانتشار و نفوذ افکار بندیکتی در آنجاست که کم کم از فرانسه به ایتالیا نیز راه یافت و سپس دامنه آن به اسپانیا، انگلستان، آلمان و لهستان کشیده شد. در ۲۱ مارس ۱۰۹۸ میلادی رابرت مولسمه (۸۴) بنیانگذار مکتب سیسترسین (۸۵) در بورگانندی، صومعه‌ای بنام سیتو (۸۶) در ناحیه دی ژن (۸۷) بنا نهاد که مرکز تجدید حیات تفکرات بندیکتی شد. او سعی نمود تا در عین حفظ اصول افکار بندیکتی، آن را با دانش و هنر آزاد تلفیق دهد. در سال ۱۱۱۲ میلادی اشرافزاده‌ای بنام برنارد (۸۸) با گروهی از دوستانش عضو صومعه سیتو شدند و آنرا که تا آن موقع از مشهوریت چندانی برخوردار نبود به همگان شناساند. اما متأسفانه برنارد طرفدار سادگی و خشکی در امور مربوط به عبادات و زهد و هرگونه گرایش بسوی تجمل و تزیین هنری را ممنوع کرده بود، و از همین روی بنای دیرها به محل خشک و بی‌روح تبدیل شد و معماری و تزئینات و آرایشهای هنری بکلی متروک ماند. ولی با اینهمه، اصلاحات سیسترسینها بخصوص در قرن دوازدهم میلادی حائز اهمیت است و سبب شد تا از حدود فرانسه فراتر برود و نفوذ خود را تا قرون وسطی ادامه دهد. در قرن هفدهم میلادی این مکتب تحت رهبری پدر رانسه (۸۹) تجدید حیات کرد. قرون یازدهم و دوازدهم میلادی، شاهد اصلاحات دیگری نیز در رهبانیت غربی، خصوصاً در ایتالیا و فرانسه بود. تعدادی از راهبان که مخالف وضع و ترتیبات موجود رهبانیت بودند به آن پشت کرده و زندگی فردی در پیش گرفتند. از جمله آنها رومالد (۹۰) متوفی به سال ۱۰۲۸ میلادی و ژان-گالبرت (۹۱) متوفی به سال ۱۰۷۳ میلادی و برونو (۹۲) متوفی به سال

83- Anian

85- Cistercian

87- Dijon

89- Rancé

91- J - Gvalbert

84- Robert Molesmes

86- Citeaux

88- Bernard

90- Romvald

92- Bruno

۱۱۰۱ میلادی بودند. بالاخره این سه تن بانی مؤسساتی شدند که امروزه نیز وجود دارند و بنام‌های کامالدولس (۹۳)، والومبروسان (۹۴) و کارتوزین (۹۵) مشهورند (۹۶).

بطور خلاصه، رهبانیت در اواخر قرون وسطی دستخوش تزلزل و انحطاط گردید، اما در عین حال به نوعی با افکار جدید سازگار شد و می‌کوشید تا بتواند جوابگوی نیازها و روحیات آن زمان باشد. فرقه دومنیکن (۹۷) منشعب از طریقه بندیکتی و فرقه فرانسیسکن (۹۸) را می‌توان در این شمار ذکر کرد (۹۹).

در سالهای آخر قرون وسطی جامعه راهبان مرد و زن به شدت از طرف مارتین لوتر (۱۰۰) مورد انتقاد و سرزنش واقع شد و آزار و سرکوبی راهبان بوسیله حکام محلی و ضبط اموال آنان از نخستین جلوه‌های نهضت اصلاح کلیسا بود. اما کلیسای کاتولیک در برابر این اقدامات مقاومت می‌کرد و در سالهای ۱۴۱۴ و ۱۴۱۸ میلادی شورای کنستانتین اقدامات و اصلاحاتی را در این زمینه بعمل آورد. در سال ۱۴۱۸ میلادی، پاپ مارتین، رسماً پدر روحانی نیکلاس (۱۰۱) را به ملک (۱۰۲) در استرالیا فرستاد تا رهبانیت را در آنجا انتشار دهد و با حمایت کلیسای کاتولیک بعد از او به سرعت در استرالیا، باراویا (۱۰۳) و اسوابیا (۱۰۴) رواج پیدا کرد (۱۰۵).

93- Gamaldolless

94- Vallombrosan

95- Carthusian

ویل دورانت - عصر ایمان، بخش سوم - ص ۴۰۶.

96- Margaret Smith, op. cit., p. 48.

97- Dominican

98- Franciscan

۹۹- علی اصغر حکمت - تاریخ ادیان - ص ۳۳۷ و

H. Ringgren et A. V. Strom, les Religions du Monde Paris. p. 111.

100- Martin Luther

101- Nicolas

102- Melk

103- Baravia

104- Swabia

105- F. Cabrol, "Monasticism", in Hastings, E.R.E, Vol. 8. p. 794, et.

Jacques la coudre, Les Grands Courants Sprituels, E.M. Tome 2. p.

251 - 254.

در اروپای غربی، کلیسای کاتولیک شورای ترنت (۱۰۶) در سال ۱۵۴۵ و ۱۵۶۳ میلادی اهمیت اصلاحات در مذاهب و طریقه‌ها را تصویب کرد و همین امر در قرن هفدهم میلادی منجر به تشکیل انجمن‌ها و گروه‌هایی از قبیل فرقه‌ای از سیسترین‌ها بنام تراپیست‌ها (۱۰۷) شد که پیرو قوانین شدید در خوراک و پوشاک و سایر امور معاش بوده و ریاضت‌های سخت را با زهد و عبادت توأم کرده بودند (۱۰۸).

شعب‌مختلف طریقه بندیکتی

مذهب و طریقه رهبانی بندیکتی از آغاز پیدایش در غرب همواره روبه‌گسترش بوده و مهمترین و گسترده‌ترین طریقه بشمار می‌رفته‌است، و همین گسترش دامنه آن در نواحی مختلف موجب انشعاب آن به شعبه‌ها و شاخه‌های مختلف گردید که مهمترین آنها عبارتند از :

۱- سیلوسترین‌ها (۱۰۹): این فرقه به نام مؤسس آن سیلواستر - گونزلین (۱۱۰) متوفی به سال ۱۲۶۷ میلادی خوانده می‌شد. سیلواستر در سال ۱۲۲۷ میلادی در اوسیمو (۱۱۱) تاردکنیا شد و عبادت و زهد آمیخته با کار و کوشش را پیشه خود ساخت و کمی بعد بعضی صوامع دیگر که با روش او موافق بودند به او پیوستند و تعداد دیرهای آنها به پنجاه و شش دیر رسید. بیشتر این دیرها و صومعه‌ها در ایتالیا و بسیاری در برزیل و پرتغال وجود داشتند، که هنوز هم تابحال برقرارند. در رم کلیسای سنت استفان دل کالو (۱۱۲) پیرو این مکتب است (۱۱۳).

106- Trent

107- Terapists

108- Margaret Smith, Op. Cit. p. 48.

109- Sylvestrines

110- Sylvester Gonzelin

111- Osimo

112- St. Stephen - Det - Cacco

113- F. Cabrol, "Monasticism", In Hastings, E.R.E. Vol. 8, p. 795.

۲- سلستینها (۱۱۴): این شعبه از سیلوسترین مهم‌تر است و به نام پاپ-سلستن معروف گردیده بود. سلستن مقدس نخست راهبی در آبروزی (۱۱۵) بود و سپس به کوه ماژلا رفت و در آنجا سعی داشت که تلفیقی میان زندگی انزوای کامل با صومعه نشینی ایجاد کند. هنگامی که به مقام پاپی رسید به نشر عقاید خویش پرداخت و صومعه‌هایی در ایتالیا، فرانسه، ساکسونی، بوهمیا (۱۱۶) و کشورهای هلند و بلژیک ولو کزامبورگ در پیروی از روش و آراء او تأسیس شد که تعداد آنها در ایتالیا ۹۶ و در فرانسه ۲۱ باب بود (۱۱۷).

۳- الیوتن‌ها (۱۱۸): مؤسس این شعبه برنارد تولمی (۱۱۹) استاد کرسی حقوق بود. در اواسط قرن چهاردهم میلادی او به اتفاق چندتن از همراهانش در کوه الیوتو (۱۲۰) در سینا انزوا گزید (جائیکه نام فرقه‌اش را از آن گرفت) و اصول بندیکتی را بکار بست. پاپ ژان بیست و دوم به مؤسسات آنها جلب شد و به تقویت و حمایت آنها پرداخت. چهل سال بعد از تأسیس، تقریباً صد صومعه تابع این شعبه شدند که صومعه معروف کاسینو (۱۲۱) نیز از جمله آنها بود. در میان راهبان این فرقه چهار کاردینال، پنج اسقف اعظم و سی اسقف وجود داشت.

۴ و ۵ و ۶- سه فرقه هیومیلیاتی (۱۲۲)، پالسونو (۱۲۳) و مونت-ورژین (۱۲۴): این فرقه‌ها امروزه پیروان چندانی ندارند. هیومیلیاتی

114- Celestines

115- Abruzii

116- Bohemia

117- F. Cabrol, Monasticism, In Hastings, E.R.E. Vol. 8. p. 795.

118- Olivetans

119- Bernard Tolemei

120- Oliveto

۱۲۱- Carrino به تاریخ‌نویس ویل دورانت، عصرایمان، بخش سوم - ص ۳۶۲

مراجعه شود.

122- Humiliati

123- Pulsano

124- Monte Vergine

در قرن دوازدهم توسط سنت الرادو (۱۲۵) با کمک سنت برنارد (۱۲۶) در سال ۱۱۵۹ میلادی نزدیک کاسمو (۱۲۷) تأسیس شد.

پالسونو نتوانست پیروان زیادی کسب کند. مؤسس این فرقه سنت جان دومترا (۱۲۸) بود که در سال ۱۱۳۹ میلادی در آپولیا (۱۲۹) آئین خود را اعلام کرد. صومعه ویرجین (ورژین) در نزدیکی ناپل توسط یکی از دوستان سنت جان در سال ۱۱۴۲ میلادی تأسیس گردید. وی ابتدا به عنوان راهب این صومعه مشغول عبادت شد و پس از جذب پیروانی چند صومعه‌های دیگری به تبعیت از آن در ایتالیا و سیسیل درست شد. امروزه صومعه ویرجین محل زیارت و از اهمیت خاصی برخوردار است.

۷- فونتاولان (۱۳۰): در میان فرق مختلف بندیکتی، فرقه فونتاولان نیز قابل ذکر است. مؤسس این فرقه دومینیک (۱۳۱) بود، از اهالی فولیگنو (۱۳۲)، در نزدیکی امبریا (۱۳۳) پیروان این شعبه به اجراء آداب و مراعات قواعد توجه خاص داشتند، و برخی ریاضتها و اعمال جدید که در طریقه بندیکتی وجود نداشت، در آن وارد کردند. در سال ۱۵۷۰ میلادی این فرقه خود به فرقه کامالدولی (۱۳۴) پیوست.

۸- کامالدولی: یکی از پر قدرت‌ترین فرق بندیکتی بود. در این فرقه دو نحوه ریاضت دسته جمعی و فردی را با هم تلفیق و ترکیب کرده بودند. زمانی تعداد پیروان این فرقه به دوهزار تن راهب می‌رسید و در حوادثی که برای کلیسا در قرن یازدهم پیش‌آمد دخالت و مشارکت داشت. مؤسس این فرقه راهبی بود بنام سنت روموآلد (۱۳۵)، متوفی به سال ۱۰۲۷ میلادی که در ابتدا از کشیشان کلیسای سن آپولینار (۱۳۶) در نزدیکی

125- Olrado

127- Casmo

129- APulia

131- Dominic

133- Umbria

135- Romtald

126- St. Bernard

128- St. Jahr de Metra

130- Fonta vellane

132- Foligno

134- Camaldoli

136- San Apollinare

راوانا بود، و بعداً از آن جدا شده، به زندگانی رهبانی مشغول شد و به طریقه بندیکتی پیوست (۱۳۷).

۹- والومبروزا (۱۳۸): این فرقه را سنت جان گالبرت، متوفی به سال ۱۰۷۳ میلادی، در والومبروزا در توسکانی (۱۳۹) تأسیس کرد و سعی او نیز بر این بود که در عین حفظ اصول بندیکتی تلفیقی میان ریاضت فردی و گروهی بعمل آورد. این فرقه همانند کامالدولی، در نهضت اصلاحات کلیسا دخالت داشت و خرید و فروش مقامات روحانی و درجات کلیسایی را به شدت محکوم می کرد، و از این لحاظ از جانب گریگوری سوم و لئوی نهم (۱۴۰) حمایت می شد.

۱۰ و ۱۱- فونتورو (۱۴۱) و گرامون (۱۴۲): دو فرقه ای که علاوه بر فرقه مهم و معروف کلونی و سپیتو در فرانسه تشکیل یافت. فرقه فونتورو بوسیله شخصی بنام روبرداربریسل (۱۴۳) تأسیس شد. وی سعی داشت که روشهای سنتی و قدیمی را تجدید کند و فعالیتهای تبلیغاتی را با زندگی رهبانی توأم نماید. هنگامیکه وفات یافت، سه هزار راهب و راهبه تحت رهبری او در فرانسه و اسپانیا و انگلستان به فعالیت مشغول بودند. فرقه گرامون بدست سنت استفان (۱۴۴) متوفی به سال ۱۱۴۲ میلادی در ناحیه گرامون پایه گذاری شد. وی فعالیتهای خود را از این ناحیه خشک و لم یزرع آغاز کرد، ولی تعداد دیرها و صومعه هایی که وی در طول زندگانی خود ایجاد کرد از شصت تجاوز می کرد.

۱۲- مخیتاری ها (۱۴۵): مخیتار متوفی به سال ۱۷۴۹ میلادی، یکی از آرامنه ای بود که سعی داشت قوم ارمنی را با مسیحیت کاتولیک و کلیسای روم آشنا و مربوط سازد. از این رو به تعلیم جوانان و تألیف و ترجمه کتب

۱۳۷- برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ج ۲ - ص ۱۹۷.

138- Vallombroza

139- Tuscany

140- Leo IX

141- Fonterrault

142- Grammont

143- Robert d'Arbrissel

144- St. Stephan

145- Mechitarists

به زبان ارمنی پرداخت و علیرغم آزار و شکنجه‌ای که از طرف کلیسای ارتودوکس و جامعه روحانی آن بر او وارد میشد، توانست در این راه اقدامات مؤثری بعمل آورد. ولی مرکز فعالیت او بیشتر در جزیره سنت لازاروی (۱۴۶) نزدیک و نیز در (ایتالیا) و همچنین صومعه‌ای که در وین اطریش در حدود سال ۱۸۱۰ میلادی بنا کرده بود، قرار داشت و این مراکز از لحاظ تألیف و ترجمه و چاپ و انتشار کتب به زبان ارمنی اهمیت بسیار کسب کردند.

۱۳- کارتوزین‌ها (۱۴۷): اساس تعلیمات این فرقه نیز تلفیق زندگی فردی و گروهی بود. مؤسس آن سنت برونو (۱۴۸) در بیابان شارتروز (۱۴۹) انزوا اختیار کرده و در همانجا در سال ۱۰۸۴ میلادی صومعه‌ای برپا کرد که محل تجمع گروهی از راهبان شد. پیروان این مکتب هر یک در کلبه خویش زندگی می‌کردند و مایحتاج خود را در زمین کوچکی که در جلوی کلبه قرار داشت می‌کاشتند و فقط در بعضی از روزهای بخصوص برای راهپیمائی دسته‌جمعی و یا کنفرانس و یا اعمال و مراسم عبادی گردهم می‌آمدند.

بعضی از صومعه‌هایی که پیروان این فرقه بنا کرده‌اند، از لحاظ معماری و خصوصیات هنری شایسته توجه است (۱۵۰).

رهبانیت معاصر

گرچه قرن نوزدهم دوران رکود رهبانیت بود، اما در دهه‌های گذشته میان سازمانهای رهبانی و راهبان و زهاد ادیان مختلف روابط دوستانه و امکانات آشنائیهی بیشتر بطور گسترده‌تری فراهم شد و تحقیقات تطبیقی و تاریخی در مبانی فکری و اجتماعی مکاتب مختلف و انواع و اشکال جنبه‌های عملی و آدابی هر یک از آنها به فهم کلی موضوع کمک

146- St. Lazarus

147- Carthusians

148- St. Bruno

149- Chartreuse

بسیار کرده است. توماس مرتون (۱۵۱) درباره شرح حال عرفا و راهبان در ادیان مختلف و آراء و اعمال آنها کتابی مفصل نوشته است که از لحاظ نکاتی که ذکر شد حائز اهمیت است. راهبان کاتولیک رومی نیز در این باره کتب بسیاری نوشته‌اند و رهبانیت را پدیده‌ای درون دینی و برخاسته از برخی نیازهای روحی و اجتماعی دانسته‌اند. از سال ۱۹۶۰ میلادی مؤسسه‌ای بنام «راهنمای میان صومعه‌ها» (۱۵۲) تشکیل یافته و مشوق گفتگو و تفاهم مشترک میان راهبان و زهاد ادیان مختلف بوده است. برخی از روشها و ریاضتهای مکاتب عرفانی و رهبانی شرقی، خصوصاً هندوئی و بودائی در عرفان و رهبانیت مسیحی امروزی مؤثر واقع شده است (۱۵۳).

151- Thomas Merton

152- Aide - Inter - Monastere

153- Bernard McGinn. art Cit. E.R, Vol. 10, p. 40.

منابع و مأخذ

- ۱- برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب (در سه جلد)، ترجمه دریا بندری، تهران، ۱۳۵۴.
- ۲- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۵۴.
- ۳- حکمت (علی اصغر)، تاریخ ادیان، تهران - ۱۳۵۴.
- ۴- فروغی (محمد علی)، سیر حکمت در اروپا (در سه جلد)، تهران ۱۳۴۴.
- ۵- ویل دورانت، عصر ایمان (در چهار بخش)، تهران ۱۳۴۳.
- 6- F. C. Happold, *Mysticism*, London, 1977.
- 7- Henry Chadwick, *The Early Church*, London, 1973.
- 8- Geoffrey Parrinder, *Mysticism In The World's Religions*, London, 1976.
- 9- H. Lietzmann, *Histoire de l'Eglise Ancienne*, Paris, 1962.
- 10- Margaret Smith, *The Way of The Mystics*, London, 1976.
- 11- H. Ringgren et A. V. Ström, *Ler Religions du Monde*, Paris, 1966.
- 12- *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed), 1987.
- 13- *The Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed), 1980.
- 14- *Encyclopedie des Mystiques*, Marian Berlewi (ed), Paris, 1977.

اختصارات

- 1- *Encyclopedia of Religion and Ethics* (E.R.E.)
- 2- *Encyclopedia of Religion* (E.R.).
- 3- *Encyclopedie des Mystiques* (E.M.).